

گردآورنده: احسان لمر

بخش: شخصیت های سیاسی

بیوگرافی: احمد علی خان لودین

«احمد علی خان لودین»، پسر «عبدالواحد خان» و نواسه «محمد رفیق خان لودین» وزیر اعظم «امیر شیر علی خان» می باشد، («محمد رفیق خان» باعث گشت که «سید جمال الدین افغان» را «امیر شیر علی خان» از وطن اخراج نماید) مادر وی از اهالی کشمیر هند می باشد.

او در دربار های «امیر حبیب الله خان سراج» در جمع غلام بچه های حضوری، در دوره «امیر امان الله خان»، «امیر حبیب الله کلکانی»، «اعلیحضرت نادر شاه» و «اعلیحضرت محمد ظاهر شاه» ماموریت های عالی رتبه را اشغال نمود.



عملکرد ها:

«لودین» از جمله درباریان «امیر حبیب الله خان سراج»، که در گیر و گرفت ها در ضدیت با مشروطه خواهان اول قرار داشته و در شکنجه و اعدام شان شرکت نمود.

وی مامور عالی رتبه در دوره امانیه میباشد. «کاندید اکادمیسین سیستمی» می نویسند که: " «فیض محمد کاتب» در (تذکره الانقلاب) خود، از وزراء خاین و از ظلم و ستم ماموران رشوت خور دولت امانی در پایمال کردن حقوق مردم شکوه میکند. از زور گوئی ها و تجدد نمائی های احمد علی خان لودین، رئیس جدید بلدیۀ کابل، برای پوشیدن جبری لباس و کلاه اروپائی، انتقاد مینماید و می گوید که او مردم را اعم: از غنی و فقیر، توانگر و ناتوان، دکان دار و اهل کسبه، فروشنده و مشتری، چنان تحت فشار و اذیت و آزار قرار داده بود که همگی دست دعا برای سرنوشتی سلطنت شاه امان الله به آسمان بلند کرده بودند." در دوره که رئیس تنظیمه شمالی بود با «حبیب الله کلکانی» معاهده نموده و او را با سلاح حکومت مجهز و بعد بر ضد همان دولت تحریک می نمود.

زمانی که «شاه امان الله خان» در قندهار بود و بر «ضد حبیب الله کلکانی» می جنگید به قول از «فیض محمد کاتب» و «غلام محمد غبار» "وقتی نیرو های سقوی برای اشغال قندهار آمدند «علی احمد خان لویناب» خود را برای مقابله آماده ساخت شهر در حال دفاع بود که «احمد علی خان لودین» مخفیانه با قوماندان سقوی «جنرال پردل» در امر تسلیمی شهر به تماس آمد و بنای همکاری گذاشت. بالاخره صبح روز 3 جون 1929 (13 جوزای 1308) دروازه شمالی شهر قندهار توسط یکی از خوانین (به دستور مخفی «احمد علی خان») بروی نیروهای سقوی گشوده شد و شهر در تصرف قوای سقوی در آمد."

«احمد علی خان» عضو دربار «حبیب الله کلکانی» بوده، تکفیر کننده نظام امانیه (که خود مامور عالی رتبه آن بود) و هم چنان در خفا هم همکار با «نادر خان» بود.

نامبرده رئیس اردو دوره «نادر خان» بوده که در محکمه تصنعی «محمد ولی خان» دروازی پیشکار آن بوده و اولین شاهد بر علیه «محمد ولی خان دروازی» نائب السطنه «اعلیحضرت امان الله خان» است.

معلومات بیشتر:

به قول از «غلام محمد غبار»: "اشخاصی که علناً شاه «امان الله خان» را در چاه می انداختند عبارت بودند از «عبدالاحد خان ماهیار وردکی» (وزیر داخله)، «احمد علی خان لودین» (والی و سفیر سابق و رئیس اردو در آینده) «محمد یعقوب خان» وزیر دربار و غیره.¹

«کاندید اکادمیسین سیستانی» می نویسد که: " فیض محمد کاتب در تذکرة الانقلاب خود، از وزراء خاین و از ظلم و ستم ماموران رشوت خور دولت امانی در پایمال کردن حقوق مردم شکوه میکند. از زور گوئی ها و تجدد نمائی های احمد علی خان لودین، رئیس جدید بلدیة کابل، برای پوشیدن جبری لباس و کلاه اروپائی، انتقاد مینماید و می گوید که او مردم را اعم: از غنی و فقیر، توانگر و ناتوان، دکاندار و اهل کسبه، فروشنده و مشتری، چنان تحت فشار و اذیت و آزار قرار داده بود که همگی دست دعا برای سرنگونی سلطنت «شاه امان الله» به آسمان بلند کرده بودند.²

وی چنین ادامه داده که: "وضع و شریف و دکاندار و حرفه ور بازار و ذکور و اناث عرصه دو هفته در زیر انواع فشار و انزجار پوشیدن لباس رسمی و کلاه اروپائی و غیره و غیره آورده عموم را دست دعا به درگاه کبریا برداشتن و زوال سلطنت «امیر امان الله خان» را از او تعالی خواستن، کشانیده بود،» (فیض محمد کاتب، تذکرة الانقلاب، ص 53)

«کاتب»، از نقش «احمد علی خان» که در تشجیع و مقاومت پسر سقاو در برابر دولت امانی و مجهز کردنش برای حمله بر کابل و سقوط دادن رژیم امانی، رول مهم بازی کرد، یاد میکند و میگوید او بود که بعد از رفتن به قندهار با «عنایت الله خان» و ایجاد نفاق در میان اقوام درانی قندهار که در غزنی با طرفداران سقاوی آماده نبرد بودند، «همه مواضع مستعده و مستحکمه را فروهشته راه انتشار [قرار] در نوشتند. «تذکرة الانقلاب، ص 53) کاتب، جای دیگری مینویسد که: "«احمد علی خان» در خفا کس نزد «پردل خان سپهسالار» «حبیب الله خان» فرستاده پیام داد که من کار از راه خدمت گزاری تا بدین جا رساندم و اینک حواله انجام آن به شماست که به سرعت هرچه تمام تر خود را به قندهار رسانیده، شهر را تصرف کن، چنانچه او قلات را گرفته واز آنجا بی مانعی درحالی که قبایل درانی در شهر انجمن و در تعیین پادشاه باهم گرم صحبت بودند، به قرب شهر فرود گشت و شهریان خود را در ورطه هلاکت و دمار دیده و ابواب شهر را بسته و قرآن شفیع ساخته، هفت روز مهلت بیعت و اطاعت کردن و امان خواسته، پردل خان پیشنهاد شان را پذیرفته در منزل باغ فروکش کرد و به «حبیب الله خان» خبر داد و از غر «احمد علی خان» خاطرش را شاد ساخت.» (همان، ص 230)

در آغاز سلطنت «نادر خان» به بهانه واهی و جعلی اولین سفیر فوق العاده کشور و معرف استقلال افغانستان به جهانیان «محمد ولی خان دروازی» را زندانی و محکمه نمودند که رئیس این دیوان «عبدالاحدخان وردک» و «احمد علی خان لودین» و مدعی اثبات جرم «ملا میر غلام ننگرهاری»، و از اعضای عمده دیوان عالی، «علی محمد خان بدخشانی» (وزیر معارف، معاون صدارت و وزیر دربار)، و میرزا «محمد حسین خان دفتری» وزیر مالیه بودند.

"احمد علی خان لودین» به لفظ {اشهد بالله} شهادت داد که: «محمد ولی خان» راز عدم تعهد شاه «امان الله خان» را با بچه سقا افشا کرده، و برای «حبیب الله» و «سید حسین» احوال داده است تا بالای حکومت بد گمان شده و بنای شرارت گذاشته» یعنی هنگامی که خود «احمد علی» به حیث رئیس تنظیمه شاه با بچه سقا عهد قرآن بسته و حیات او را تضمین کرده بود این «محمد ولی خان» بود که بچه سقا را مطلع ساخت تا این عهد را از طرف شاه نه شناخته و اعتماد نه نماید در حالیکه «محمد ولی خان» کتباً تصریح کرده بود که هنگام وکالتش از شاه «سقا که یک دزد کوه گریز بود خواهش کرد که با او عهد قرآن و تضمین جان شود آنگاه خودش را تسلیم میکند اما من چنین عهده را با یک دزد نه پذیرفتم و تسلیم بدون شرط او را خواستم» وقتی «احمد علی» شهادت خودش را ادا کرد «محمد ولی خان» با استحقار (سزاوار) نگاهی به او افکند و جواب سابق خودش را تکرار نمود. آنگاه «احمد علی» بایستاد وبا لهجه دریده گفت «و الله خاین هستی با الله خاین هستی...»³

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

ولی رئیس محاکمه «عبدالاحد خان مایار» بدون حفظ مراعات انتظامی بوی هیچ نگفت. وقتی «نادر خان» و برادران میخواستند «محمد ولی خان دروازی» جسماً محو شود پس سند و شاهد جعلی فراوانی را علیه او پیدا می توانستند زیرا در آن رژیم آنچه که خودشان می خواستند شریعت، قانون، عدالت و واقعیت همان بود.

پس از تلاشهای پیهم و ناکام «فضل عمر خان مجددی» وزیر عدلیه حکومت «سردار هاشم خان» برای اعدام «میر سید قاسم خان»، در جریان مجلس وزرا، بعداً در اجتماع افسران و مامورین ملکی دوایر دولتی در باغ صدارت در مورد متهمین قتل «نادر خان»، این بار «احمد علی خان لودین» رئیس اردو، «فضل عمر خان مجددی»، «سر بلند خان»، «اصیل خان» و «سرگی خان»، جنرالان اعزازی «نادر خان»، «عبدالغنی خان گردیزی» قلعه بیگی (قوماندان امنیه) «محمد غوث خان» نائب سالار و چند تن دیگر طرفدار اعدام «سید قاسم خان» بودند و حتی در جریان اجتماع صدارت «احمد علی خان» و «عبدالغنی خان گردیزی» و «سر بلند خان» نائب سالار به «سردار فیض محمد خان ذکریا» وزیر معارف حمله نمودند و او را به پائین کشیدند و «احمد علی خان» بوی گفت **"توهم خاں و لایق کشتن هستی"** که چرا در دفاع از «میر سید قاسم خان» برآمده بود و در این وقت «سردار هاشم خان» پیش آمده گفت: **"رئیس صاحب اردو یک قدری اندازه را نگهدارید"**.

وقتی که «میرزا محمد خان یفتلی» نظر داد که نباید موضوع قتل شاه و دهریت و کفر گفتن و... مخلوط شوند، باز هم «عبدالغنی خان گردیزی»، «احمد علی خان لودین» و «سر بلند خان» نائب سالار صدا زدند که: **"وزیر صاحب شما نیز جز همین نفری هستید باید با آنها یکجا اعدام شوید"**.

بالاخره «سردار هاشم» تصمیم به ترور اعلیحضرت «امان الله خان» در ایتالیا گرفت، بار نخست «الله نواز» هندوستانی سفیر افغانستان در برلین با تروریست های مسلح او توسط پلیس ایتالیا دستگیر شدند که کار به رسوایی جهانی رژیم کابل کشید، بار دیگر **"در ماه می 1934 «احمد علی خان» را به حیث سکرتر سفارت افغانستان بروم فرستادند تا بهر قیمتی شده وظیفه سپرده شده به الله نواز خان را به سر برساند. هاشم خان اینبار محافظ خاص خود حکیم را نیز برای انجام این اقدام به روم فرستاد"** 4 که باز هم موفق نشدند.

زمانی که «محمد حسن شرق» متعلم مکتب بیطاریه (وترنری) و بعداً شعبه طبّی اردو، عریضه عنوانی وزیر دفاع وقت «شاه محمود خان» برادر صدراعظم «هاشم خان» و کاکای پادشاه «محمد ظاهر شاه» نوشته و تقاضا نموده بود که: **"معاش سگ وان و مصارف سگ را برایم بدهید من در وقت شکار مرغابیها را از سگ کرده خوبتر و زودتر از آب بیرون میآورم"** عریضه بدست رئیس اردو «احمد علی خان» رسید و امر نمود تا او را بزنند و در جربان چوب کاری می پرسید: **"ای بلشویک بلشویک بگو عریضه را کی نوشته کرده که ترا تحریک کرده که به بادرار با این جرئت عریضه بنویسی"** 5 اما چون بعداً دانست که وی تحریک و حمایت همان دربار و برادرزاده "بادار" او را دارد پس فوراً دسته گل نرگس و پطنوس غذا های متنوع در شفاخانه برایش فرستاد !!! و فردا به عیادتش آمد و پهلوی چپرکت اش بپا ایستاد !!! و گفت: **"در زندگی خوشبخت و در قبر آرام خواهم بود اگر مرا ببخشی"** 6

در اردوی جهان یک استثنا است جنرال عالی رتبه و به خصوص کشور های شرقی ما از یک متعلم مکتب اردو معذرت بخواهد.....

مآخذ:

- 1- میر غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد دوم طبع جون 1999 ویرجینیا ایلات متحده امریکا ص 6.
- 2 - کاندید اکادمیسین استاد اعظم سیستانی - (مقاله) جستاری تاریخی درباره خاندان لویناب - سایت انترنتی افغان جرمن.
- 3 - میر غلام محمد غبار جلد دوم ص 63
- 4 - دکتور عبدالرحمن زمانی - باز نگری دوره امانی و توطئه های انگلیس - مومند خپرندویه تولنه جلال آباد ص 510
- 5 - دکتور محمد حسن شرق - کرباس پوشان برهنه پا - سبا کتابخانه پشاور صفحات 31 ، 32 و 44.
- 6 - همانجا.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند